

با وجود اینکه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، تلاش‌های زیادی برای ایجاد فضای معنوی و ارائه محتوای دینی، مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی در مدارس صورت گرفته، اما به نظر می‌رسد، از یک‌سو به علت رسوخ و نفوذ برخی رویکردها و جریان‌های داخلی و خارجی (مانند: سند ۲۰۳۰) به نظام آموزشی و از سوی دیگر به علت تأثیرات منفی فضای مجازی و برنامه‌های دین زاینانه شبکه‌های ماهواره‌ای بر جامعه، اقدامات صورت گرفته از سوی مسئولین کشور، تا حدود زیادی اثربخشی خود را از دست داده است.

علاوه براین؛ طی این سال‌ها، نظام آموزشی کشور به دلیل عدم ارتباط مؤثر با حوزه‌های علمیه نتوانسته است، به تمام اهداف مورد نظر برای ارائه محتوای مبتنی بر مبانی اسلامی به مفهوم واقعی آن دست پیدا کند. شاید یکی از دلایل این ناکامی ناشی از آن باشد که متولیان تهیه و تدوین متون آموزشی، همچنان تلاش می‌کنند تا با مزین نمودن الگوهای قبلی به آیات و روایات اسلامی، الگویی به ظاهر جدید و در عین‌حال، اسلامی ارائه نمایند.

اتفاقا انحراف در مسیر تربیت جوانان و نوجوانان به سوی اهداف الوای انقلاب اسلامی، درست از همین‌جا کلید می‌خورد، در واقع به علل مختلف از جمله: عدم تسلط و اشرافیت کافی دست‌اندرکاران تهیه و تدوین متون با اصول و مبانی اسلامی و نیز فقدان رابطه مفید و مؤثر سیستم آموزشی کشور با حوزه‌های علمیه و علمای دینی(متخصص امور دینی) در سطوح مختلف تحصیلی، (از مدرسه تا دانشگاه)، نتوانسته‌ایم در انتقال مفاهیم اسلامی به جوانان و نوجوانان، به شکل کاملاً موفق عمل کنیم.

قطعا اگر نظام آموزشی کشور از همان ابتدا در یک اقدام مشترک و در تعامل نزدیک و گسترده با اساتید حوزه و دانشگاه، اقدام به تدوین متون آموزشی می‌نمود به همزمان، مراکز تربیت معلم و مراکزی مانند دانشگاه تربیت مدرس، بیش از پیش از همکاری اساتید حوزه‌های علمیه برای تربیت معلمین و اساتید بهره می‌برد و اگر حوزه‌های علمیه نیز با آینده‌نگری لازم و برنامه‌ریزی مناسب، نقش پررنگتری را در امر دین پر عهده می‌گرفتند، نتیجه بهتری عاید می‌شد و کار به اصلاحات ظاهری و شکل و قالب کار محدود نمی‌شد.

البته همان‌گونه که اشاره شد، این مشکل عمومیت ندارد، اما رفع آن مستلزم اقدامات فوری، فزاینک و گسترده برای حل مشکل در حوزه‌های مختلف است، اقداماتی مانند: بازنگری و اصلاح مجدد متون آموزشی، بازنگری و اصلاح نظام جذب و آموزش معلمین و اساتید و ایجاد یک شبکه مناسب برای استفاده بیشتر از ظرفیت فرهنگی و علمیه و توان فکری و ذهنی طلاب واجد شرایط در مدارس و دانشگاه‌ها، از مصادیق اقداماتی است، که برای رفع مشکلات آموزشی موجود در اولویت قرار دارند.

طرح یک روحانی برای هر مدرسه تحت عنوان «سفریان هدایت» به شکل یک روحانی و شکل و قالب یک کمک نهاد رهبری در دانشگاه‌ها یا مراکز آموزشی دیگری

یک پیشنهاد کاربردی برای رفع نواقص تربیت دینی و اجتماعی در نظام آموزشی احمد رضا هدایتی

عملیاتی نشود، در بی آن استت تا با ایجاد ارتباط تنگاتنگ بین طلاب عزیز با بدنه جامعه آموزشی کشور و تعامل نزدیک و مستمر با دانش آموزان، دانشجویان و همچنین معلمین و اساتید، به رفع نواقص موجود در این رابطه کمک نماید.
به عبارت دیگر در قالب این طرح پیشنهادی قرار است، طلاب و روحانیون بزرگوار از محصور ماندن در فضای حوزه‌های علمیه، مساجد و هیئت مذهبی اجتناب نموده و همان‌گونه که پیامبران الهی(ص) و ائمه معصومین(ع) با حضور گسترده و مستمر بین مردم، به رسالت خود برای جذب و هدایت جامعه به‌سوی معارف الهی و ارزش‌های مثبت اجتماعی عمل می‌کردند، نقش فعالتری را در این زمینه بر عهده بگیرند.

هدف اصلی:

کمک به احیاء؛ ترویج و نهادینه‌سازی مفاهیم و اصول و ارزش‌های اسلامی در مدارس و دانشگاههای کشور

سایر اهداف:

تقویت ارتباط روحانیت با بیکره جامعه، در بخش دانش آموزی و دانشجویی و

سایر مراکز آموزشی
کمک به تقویت آموزش‌های دینی و ارتقاء سطح فکری، رفتاری و معنوی



اگر تصور تان از یک روحانی یا یک طلبه فعال و پویا تنها یک روحانی خوش صحبتی است که منبرهای شلوغی دارد و قابل صحبتی هایش دستبست به دست می‌چرخد باید با «علیرضا سلمانیان» آشنا شوید. وی روحانی کم شنوایی استست که تلاش می‌کند فعالیت‌های فرهنگی زیادی در حوزه ناشنوایان انجام دهد تا زندگی را برای ناشنوایان کشور آسان تر کند.

این روحانی سسمنانی شنوا وارد حوزه شد اما به مرور دچار کم شنوایی شد اما راهش را ادامه داد تا امروز نماینده ناشنوایان در حوزه باشد و فعالیت‌های فرهنگی زیادی برایشان انجام دهد. روحانی جوانی که منبرهایهم هم برای ناشنوایان به زبان اشاره‌هاست و تلاش‌های زیادی کرده تا بتواند تلاش‌های فرهنگی و مذهبی را در زندگی ناشنوایان پر کند. آقای سلمانیان که به تازگی همراه کاروانی از ناشنوایان به سفر کربلا مشرف شده بود با کمک برادرش و از طریق لب‌خوانی گفت‌وگویی با مجله مهر داشته است.

امتحان می‌دادم و به ترمهای بالاتر رفتم در حال حاضر دارم پایان نامه سطح ۳ را می‌نویسم.
«درحال حاضر مشغول چه فعالیتیتی هستید؟
در حال حاضر عضو هیئت‌مدیره کانون ناشنوایان استان سمنان هستم. البته فعالیت‌های فرهنگی من فقط در حوزه ناشنوایان نیست. امام جماعت مسجد و سازمان بهزیستی هم هستم. کارهای فرهنگی و تقریحی هم برای ناشنوایان انجام می‌دهم.
به‌طور مثال به آنها مفاهیم دینی و احکام را با زبان‌اشاره آموزش می‌دهیم و یک طورهایی منبرهاییم با زبان‌اشاره است. چند روز قبل هم کاروانی تدارک دیدیم که ناشنوایان را به سفر کربلا بردیم. الحمدلله خیلی خوب بود و ناشنوایان هم با ما همکاری بسیار کردند. دانشند. آن از طرف هم مردم عراق خیلی با ما خوب برخورد کردند. چون ما کارت‌هایی داشتیم که نشان می‌داد ناشنوا هستیم و در گشت و بازرسی‌ها

اجتماعی



دانش آموزان و دانشجویان.
پاسخگویی به شیئات مذهبی و دینی دانش‌آموزان و دانشجویان و سایر متولیان بخش آموزش.
کمک به تقویت آموزش‌های تربیتی و پرورشی و همچنین مهارت‌های مدیریتی از نگاه اسلام.
ایجاد انس و الفت بیشتر و رابطه فویتر، بین جوانان و نوجوانان با طلاب و روحانیون بزرگوار.

چگونگی و نحوه اجرای طرح:

کلیه مراکز آموزشی در چارچوب قانون موظف شوند، با تنظیم تفاهنامه بین آموزش و پرورش و حوزه‌های علمیه یا شورای سیاست‌گذاری ائمه‌جمعه و جمعاعت شهرستان‌ها، به ازای هر مدرسه یک طلبه حائقل سطح دو و ترجیحأ جوان را برای هر مدرسه جذب و به‌کارگیری نمایند.

دانشگاه‌نیز در قالب تفاهنامه مورد اشاره، ترجیحأ از همکاری اساتید حوزه‌وی (به ازای هر دانشکده یک روحانی) برخوردار شوند.

طلاب و روحانیون جذب شده موظف شوند، در فاصله برگزاری کلاس‌های درسی

مدارس یا به عنوان مربی پرورشی در کلاس‌های درس، با دانش‌آموزان و مربیان در

تعامل نزدیک و چهره‌به‌چهره قرار گرفته و به شکل صمیمانه رفاقت نمایند.

طلاب و روحانیونی که در اجرای طرح مشارکت می‌کنند، باید تلاش کنند تا در جریان تعامل با دانش‌آموزان و دانشجویان، کار هدایت و طرح ملات موردنیاز قشر جوان و نوجوان را به شکل ترجیحأ غیر مستقیم ارائه نمایند.

طلاب عزیز به‌کارگیری شده در مدارس، باید ترتیبی اتخاذ نمایند تا ضمن تقویت و تعمیم مراسم نماز جماعت در مدارس، در تعامل با بسیج دانش‌آموزی مدرسه و بسیج فرهنگیان شهرستان، مفاهیم و ارزش‌های دینی به شکل منطقی، اصولی و هدفمند در مدارس نهادینه شود.

برنامه‌ریزی برای انتقال اصولی مفاهیم دینی با برگزاری مناسبت‌های مذهبی و ملی یا تشکیل گروه‌های مردم نهاد تبلیغی و ترویجی و حتی برنامه‌ریزی در جهت تقویت مؤلفه‌های رفتاری مانند (آمانگرای، برنامه‌ریزی، تحقیق و مطالعه، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، دینداری، صداقت و راستگویی و همچنین حساس نشان دادن در برابر

اگر یک روحانی در هر مدرسه به کار گرفته شود...

اموری مانند تخریب محیط زیست و اموال عمومی و امثال آن، در شکل دادن اصولی به شخصیت دانش‌آموزان، مشارکت نمایند.

نقش روحانیون بزرگوار در دانشگاه‌ها بیشتر پاسخگویی به سوالات و رفع شبهات و معرفی اصولی و اثرگذار اسلام ناب محمدی(ص) و اهداف عالیه انقلاب و نیز احیاء مراسم عبادی به عنوان یک ارزش اجتماعی از طریق تربیت دانشجوین و اساتید

متحرک به شرکت در نماز جماعت و سایر مراسم مذهبی.

جذب نیروی می‌تواند به شکل رسمی و تدریجی باشد و با بصورت حقال‌تدریسی و یا پاره وقت و غیر رسمی در قالب طرح کارآموزی برای طلاب به شکل هفته‌ای دو روز یا ماهی یک هفته و یا سالی یک ماه.

کلیه خوب است ترتیبی اتخاذ شود تا همزمان، بخشی از دوره آموزشی مربیان پرورشی ترجیحأ در حوزه‌های علمیه یا توسط حوزه‌های علمیه ارائه شود و برای مربیان موجود نیز با همکاری حوزه‌های علمیه دوره‌های حین خدمت برگزار شود.

امید است توجه به این پیشنهاد کاربردی و اجرای فوری این طرح بتواند از هدر رفتن بیش‌از پیش فرصت‌ها جلوگیری و شرایط را برای بهبود شرایط آموزشی و بخصوص، نظام تربیتی و پرورشی در مراکز آموزشی کشور فراهم سازد.

هیچ وقت فکر نمی‌کردیم که یک روز ممکن استت ناشنوایان بخواهند در حوزه تحصیل کنند، اما در سفری که داشتیم مشتاقان ناشنوائی زیادی دیدیم که دوست داشتند در حوزه تحصیل کنند و به نظرم می‌شود فکری به حال این‌موضوع کرد. اما متأسفانه درخصوص ناشنوایان نشده و این واحد توسط خودمان درست شده است. در همین سفر کربلا خیلی از ناشنوایان دوست داشتند که طلبه شوند، اما یکی از شروط ورود به حوزه سلامت کامل تحصیلی است و به معلولین اجازه ورود نمی‌دهند. من هم ابتدا که وارد شدم مشکل

هیچ وقت فکر نمی‌کردیم که یک روز ممکن استت ناشنوایان بخواهند در حوزه تحصیل کنند، اما در سفری که داشتیم مشتاقان ناشنوائی زیادی دیدیم که دوست داشتند در حوزه تحصیل کنند و به نظرم می‌شود فکری به حال این‌موضوع کرد. اما متأسفانه درخصوص ناشنوایان نشده و این واحد توسط خودمان درست شده است. در همین سفر کربلا خیلی از ناشنوایان دوست داشتند که طلبه شوند، اما یکی از شروط ورود به حوزه سلامت کامل تحصیلی است و به معلولین اجازه ورود نمی‌دهند. من هم ابتدا که وارد شدم مشکل

هیچ وقت فکر نمی‌کردیم که یک روز ممکن استت ناشنوایان بخواهند در حوزه تحصیل کنند، اما در سفری که داشتیم مشتاقان ناشنوائی زیادی دیدیم که دوست داشتند در حوزه تحصیل کنند و به نظرم می‌شود فکری به حال این‌موضوع کرد. اما متأسفانه درخصوص ناشنوایان نشده و این واحد توسط خودمان درست شده است. در همین سفر کربلا خیلی از ناشنوایان دوست داشتند که طلبه شوند، اما یکی از شروط ورود به حوزه سلامت کامل تحصیلی است و به معلولین اجازه ورود نمی‌دهند. من هم ابتدا که وارد شدم مشکل

باید صلاحیت خانواده اینها مورد بررسی قرار گیرد. این همه مددکار و روانشناس و کارشناس در این حوزه داریم. سازمان بهزیستی و شهرداری و نیروی انتظامی و فوق قضائیه کمیته مشترکی تشکیل دهند و پس از تعیین صلاحیت، خانواده‌های این کودکان را اگر واقعا نیازمند هستند تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دهند و اگر نیازمند نیستند البته البته حدود ۶۵ تا ۷۰ تا نه‌دصد نیازمند نیستند). بچه‌ها را از آنها بگیرند و تحت پوشش نهادهای حمایتی و مراکز مشاوره‌روزی قراردهند تا اگر سربازند س‌و‌استفاده باند‌های مافیایی هستند و جمع‌آوری و ساماندهی آنها در واقع نجات این کودکان معصوم از دست تبهکاران و سودجویان و اقدامی در جهت پیشگیری از آسیب‌های آتی برای جامعه است.

در پژوهش خبری صدا و سیما گفت‌وگویی با دکتر مجید ابهری، آسیب شناس اجتماعی و در زمینه گونه شناسی کودکان کار خیابان، نحوه سوءاستفاده باند‌های مافیایی از آنها و گردش مالی این کودکان انجام شده که به آن می‌پردازیم.

چندی پیش طرحی از سوی فرمانداری و با مشارکت شهرداری تهران و برخی نهادهای ذی ربط برای جذب و ساماندهی کودکان خیابانی انجام شد که بازتاب‌های گسترده‌ای را در میان مردم، متولیان و کارشناسان آسیب‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم نهاد بر تریست با کودکان کار و خیابان بر انگیزخت. یکی از موارد مطرح در این خصوص این است که این قبیل کودکان مورد پوشش نهادهای حمایتی و مراکز مشاوره‌روزی قراردهند تا اگر سربازند س‌و‌استفاده باند‌های مافیایی هستند و جمع‌آوری و ساماندهی آنها در واقع نجات این کودکان معصوم از دست تبهکاران و سودجویان و اقدامی در جهت پیشگیری از آسیب‌های آتی برای جامعه است.

باید صلاحیت خانواده اینها مورد بررسی قرار گیرد. این همه مددکار و روانشناس و کارشناس در این حوزه داریم. سازمان بهزیستی و شهرداری و نیروی انتظامی و فوق قضائیه کمیته مشترکی تشکیل دهند و پس از تعیین صلاحیت، خانواده‌های این کودکان را اگر واقعا نیازمند هستند تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دهند و اگر نیازمند نیستند البته البته حدود ۶۵ تا ۷۰ تا نه‌دصد نیازمند نیستند). بچه‌ها را از آنها بگیرند و تحت پوشش نهادهای حمایتی و مراکز مشاوره‌روزی قراردهند تا اگر سربازند س‌و‌استفاده باند‌های مافیایی هستند و جمع‌آوری و ساماندهی آنها در واقع نجات این کودکان معصوم از دست تبهکاران و سودجویان و اقدامی در جهت پیشگیری از آسیب‌های آتی برای جامعه است.

باید صلاحیت خانواده اینها مورد بررسی قرار گیرد. این همه مددکار و روانشناس و کارشناس در این حوزه داریم. سازمان بهزیستی و شهرداری و نیروی انتظامی و فوق قضائیه کمیته مشترکی تشکیل دهند و پس از تعیین صلاحیت، خانواده‌های این کودکان را اگر واقعا نیازمند هستند تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دهند و اگر نیازمند نیستند البته البته حدود ۶۵ تا ۷۰ تا نه‌دصد نیازمند نیستند). بچه‌ها را از آنها بگیرند و تحت پوشش نهادهای حمایتی و مراکز مشاوره‌روزی قراردهند تا اگر سربازند س‌و‌استفاده باند‌های مافیایی هستند و جمع‌آوری و ساماندهی آنها در واقع نجات این کودکان معصوم از دست تبهکاران و سودجویان و اقدامی در جهت پیشگیری از آسیب‌های آتی برای جامعه است.

باید صلاحیت خانواده اینها مورد بررسی قرار گیرد. این همه مددکار و روانشناس و کارشناس در این حوزه داریم. سازمان بهزیستی و شهرداری و نیروی انتظامی و فوق قضائیه کمیته مشترکی تشکیل دهند و پس از تعیین صلاحیت، خانواده‌های این کودکان را اگر واقعا نیازمند هستند تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دهند و اگر نیازمند نیستند البته البته حدود ۶۵ تا ۷۰ تا نه‌دصد نیازمند نیستند). بچه‌ها را از آنها بگیرند و تحت پوشش نهادهای حمایتی و مراکز مشاوره‌روزی قراردهند تا اگر سربازند س‌و‌استفاده باند‌های مافیایی هستند و جمع‌آوری و ساماندهی آنها در واقع نجات این کودکان معصوم از دست تبهکاران و سودجویان و اقدامی در جهت پیشگیری از آسیب‌های آتی برای جامعه است.



صفحه ۸
شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۶
۲۵ صفر ۱۴۳۹ - شماره ۲۱۷۶۹

حل مسائل زنان در خانواده و اجتماع
با مبنا قرار دادن کتاب آسمانی و سیره اهل بیت(ع)

مطالبات جمعی از خواهران طلبه در مقوله حقوق زن و موضوعات فرهنگی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران خواب طراحان استراتژی فرهنگی و استعمار نوین آشفته شد و دیری نپایید که امت مسلمان به رهبری امام خمینی(ره) یک تحول سیاسی فرهنگی و اجتماعی با هدف احیای معارف اسلامی در کشور به وجود آورد و در این عرصه زنان انقلابی و مومن با شیوه‌ای از حضور اجتماعی آشنا شدند که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی بود و توانستند در عرصه‌های گوناگون یک الگوی منحصر به فرد از زن مسلمان را در جامعه ارائه دهند.

از این رو استکبار جهانی که از اول انقلاب در آزمون براندازی نظام اسلامی نافوق بود، استتعاله فرهنگی دراز مدت را در دستور کار خود قرار داد و از شیوه‌های گوناگون راه نفوذ را در پیش گرفت، در این میان توجه به مقوله زنان و موضوعات فرهنگی و اجتماعی مرتبط با حقوق زنان، به عنوان طیف اثرگذار در جامعه بسیار حائز اهمیت می‌نمود؛ لذا در فضای فعلی کشور نیز ما زنان حوزه که همیشه هوشیار و حساس نسبت به تصمیم‌سازی‌های ملی و بین‌المللی بودیم؛ بار دیگر نسبت به وقایع اخیر در کشور و محیط پیرامون که با شعار احقاق حقوق دختران و زنان در حال شکل‌گیری است، احساس وظیفه و حضور فعال نمودیم و بدین وسیله مطالبات خود را در ذیل از مسئولان خدوم در نظام جمهوری اسلامی و نمایندگان شهر مقدس مشهد اعلام می‌داریم تا هوشیار باشند و تحت تاثیر فشارهای سازمان‌های بین‌المللی قرار نگیرند و بدور از غفلت از آموزه‌های اسلام ناب محمدی و باطن‌های اساسی و قانون‌مندی جمهوری اسلامی ایران همواره همت خود را بر حفظ ارزش‌های انقلاب گمارند.

۱- در چند ماه اخیر مواجهه با شکل‌گیری جمعیتی به نام پارلمان زنان در استان خراسان رضوی توسط استانداری جدید که با بودجه دولتی شروع به کار کرده و مشغول به عضوگیری است. سؤال ما این است شکل‌گیری چنین پارلمانی در کنار مجلس شورای اسلامی آیا مغایر با قوانین جمهوری اسلامی و قانون اساسی نیست؛ لذا قویأ-خواستار انحلال این دست فعالیت‌های موازی کاری هستیم و متقاضی عضویت در این نهاد هستیم. سؤال ما این است که آیا این نهاد می‌تواند در امر ازدواج و... در این استان هستم.

۲- ما جامعه زنان خواهان اجرای دقیق قانون سن ازدواج بر اساس تعالیم اسلام و قانون مدنی در کشور هستیم تا با جلوگیری از بروز بی‌عالتی در عرصه ازدواج دختران، مسئولان تحت فشارهای سازمان ملل به فکر از بین بردن یا عوض کردن اصل قانون نینفتند؛ چرا که کنوانسیون‌های دفاع از حقوق زنان و حقوق کودک فقط با ادعای دفاع از حقوق چیزی جز تسلط فرهنگ استکبار بر کشور را به ارمان نهادند داشت.

۳- امر بالای اعتیاد، بیکاری، طلاق، رکود بازار و اقتصاد، افت تحصیلی جوانان، بالا رفتن سن ازدواج و به دنبال آن رواج ابتذال، بدحجلی و... از مسائل فرهنگی طرز اول کشور می‌باشد و این موضوعات مهم را مسئولان مدافع حقوق زنان مورد غفلت قرار داده و با بزرگنمایی و تصویب و بیکری مسائلی از جمله ملنی کردن اجازه همسر در خروج زن از کشور که آثار و پیامدهای کیفی قابل جبران دارد را از موفقیت‌های خود می‌پندارد و با افتخار از آن یاد می‌کنند، ما خواهان توجه به مسائل مغفول مانده در کشور هستیم.

۴- با توجه به مشکلات عدیده در حوزه‌فرهنگ آسیا در اولویت قرار دادن موضوعاتی از جمله حضور زنان در ورزشگاه‌ها باری از مشکلات جامعه می‌کاهد یا اینکه فضای حاکم در کشور را آستین مضطارت دیگر می‌کند و توجه مردم را از موضوعات مهمتر معطوف به مسائل فنی می‌نماید.

تیرید از مطالبات حقیقی ما زنان مومن به انقلاب و اسلام، تاکید بر شأن اجتماعی- سیاسی زنان اما با در نظر گرفتن اولویت‌ها، در نقش‌های زنانه است؛ تا بدینوسله الگوهای نظم برآمده‌ای را استکبار و هتگی به جانش کشیده شود و حل مسائل زنان در خانواده و اجتماع با مبنا قرار دادن کتاب آسمانی و سیره‌های(پیت) میسر شود؛ لذا مسئولان نظم‌گرای و برنامه‌ریزی کلان باید مبتنی بر این آموزه‌ها و تقویت هویت‌فرهنگی و اجتماعی و ملی باشد.

در پایان توفیق ختمگزارگی برای تمام مسئولان دلسوز و مومن به انقلاب تحت ولایت‌رهبری مقام‌مظلم رهبری(مدظله‌عالی) را از خداوند متعال بخواهیم.

جمعی از خواهران طلبه مشهد

نقدی بر آمارهای مشکوک طراحان «فزایش حداقل سن ازدواج»

کاهش سن ازدواج به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند

ایمان کریمی دره‌نارنجی

برای به حداقل رساندن آسیب‌های اجتماعی باید متناسب با بستری‌ها موجود در هر جامعه راهکارهایی را اتخاذ و اجرا کرد، در این راستا طرح «افزایش حداقل سن ازدواج» از جمله اقدامات آسیب‌زایی است که بدون پشتوانه علمی و تحقیقاتی آماده شده است.

آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه شت‌های مختلفی دارد و عوامل گوناگونی موجب تداوم و حتی تشدید آنها می‌شود. برای به حداقل رساندن آسیب‌ها باید متناسب با بستری‌ها موجود در هر جامعه راهکارهای مختلفی را اتخاذ و اجرا کرد.

مشکلات موجود در حوزه خانواده از جمله افزایش سن ازدواج و افزایش طلاق نیز باید به مکتب شیوهٔ پیش برده شود. اجرای روشی که بدون مطالعه کامل علمی و تحقیقات میدانی در هر قلمی و با در نظر گرفتن فرهنگ خاص هر منطقه انجام پذیرد، تنها نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌کند، حتی احتمال تشدید آسیب‌ها در این حالت دور از ذهن نخواهد بود.

طرح «فزایش حداقل سن ازدواج دختران و پسران» مدتی است از سوی «معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری» و «فراکسیون زنان مجلس» مطرح شده است. این گروه دلایل مختلفی را برای دفاع از کار خود مطرح کرده‌اند که بی‌اسی قابل تامل دارد.

فاطمه ذوالقدر، نماینده مجلس شورای اسلامی درباره علت پیگیری برای افزایش حداقل سن ازدواج این چنین گفته است: «ما طلاق افزایش کودکان کار، افزایش فاصله سنی بین دختر و پسر در ازدواج‌ها و مرگومیر تعداد بسیاری از دختران در هنگام زایمان به دلیل فرزندآوری در سن پایین سبب اصلاح این قانون است».

اما با نگاهی به آمارهای منتشر شده از سوی مسئولین مربوطه مشخص می‌شود، آمار و اطلاعاتی که از سوی این جریان بیان می‌شود نادرست و غلط است. طبق آمار منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ ۱ میلیون و ۴۸۰ هزار عقد طلاق در کشور رخ داده است که از این تعداد تنها ۰۶ درصد از کل طلاق‌ها (۱۰ هزار مورد) به طلاق زنان زیر ۱۵ سال اختصاصی داشت و ۱ درصد از ۱۶ هزار مورد مربوط به طلاق مردان زیر ۲۰ سال است.

این آمار نشان‌دهنده این نکته است که برخلاف ادعاهای مطرح شده، طلاق نه تنها از پیامدهای ازدواج در سنین پایین نیست بلکه کاهش سن ازدواج یکی از عوامل کنترل و کاهش آمار طلاق در کشور است.

از نسوی دیگر دکتر ترکتستانی رئیس اداره سلامت مادران و نوزادان وزارت بهداشت در مورد میزان مرگ و میر مادران باردار در کشور گفته: «آمار کل مرگ مادر باردار در سال ۹۳ تا ۲۹۳ مورد است، این آمار در سال ۱۳۹۲، ۲۹۱ مورد در قبال میزان مولید یک میلیون و ۴۷۰ هزار نفر گزارش شده است.

وی افزود: «درک درصد موارد فوت شده برای مادران زیر ۱۸ سال بوده است» ۲۶ درصد بالای ۳۵ سال سن داشتند. ۱۱درصد تجربه بارداری اول‌شان بود، ۲۱درصد مربوط به بارداری پنجم و بالاتر و همچنین فاصله دو بارداری آخر و کمتر از سه سال، ۲۵درصد بوده است.»

اما یک سنسؤال، علت مرگ و میر این تعداد از مادران باردار چیست؟ عایدتی رئیس‌دانشکده بهداشتی و مامایی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز درباره علت مرگ و میر مادران باردار گفت: «۷۰درصد مرگ و میر مادران در اثر سزارین یا عوارض مربوط به سزارین است که این موضوع بسیار قابل تامل است». این آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۳ تنها سه نفر از فوت شدگان از مادران باردار بودند که زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند و علت عمده مرگ‌ها نیز ارتباطی با سن پایین ازدواج ندارد.

آمارهای ذکر شده در بالا نشان می‌دهد که نه تنها ازدواج در سنین پایین آسیب ندارد بلکه برای کاهش بخش بزرگی از آسیب‌های اجتماعی موجود در کشور از جمله افزایش طلاق، گسترش فساد، مرگ و میر مادران باردار و افزایش ازدواج‌های ثبت نشده، باید شرایط را برای کاهش سن ازدواج مهیا کرد اما متأسفانه رفتارهای مسئولین در تلاش برای تغییر قانون سن ازدواج احساسی و بدون بررسی‌های علمی و مطالعات منطقی‌ای است.

فاطمه ذوالقدر عضو کمیسیون زنان و خانواده مجلس در مورد بد کارشناسی طرح تحت «نظر کارشناسی برای تعیین سن ازدواج اعلام نشده است». این مسئولین با ارائه آمار غلط و بدون بررسی کارشناسی تلاش می‌کنند تا طرحی می‌تواند آسیب‌زا باشد، تصویب شود. طرح «افزایش حداقل سن ازدواج» نیز از جمله اقدامات آسیب‌زایی است که بدون پشتوانه علمی و تحقیقاتی آماده شده است. لازم است تصمیم‌گیری که خود را نماینده مردم می‌دانند، زمان کمی را در میان مردم بگذرانند تا تفاوت‌های فرهنگی، قومی و جغرافیایی را بشناسند و دیگر تصورات خود را به آمار تبدیل و به مردم ارائه نکنند.

^[1] اما با نگاهی به آمارهای منتشر شده از سوی مسئولین مربوطه مشخص می‌شود، آمار و اطلاعاتی که از سوی این جریان بیان می‌شود نادرست و غلط است